

واضح است که حکومت به جمیع شئون آن و ارکان‌هایی [که] دارد تا از قبل [طرف] شرع مقدس و خداوند تبارک و تعالی شرعیت پیدا نکند اکثر کارهای مربوط به قوه مقننه و قضاییه و اجراییه بدون مجوز شرعی خواهد بود و دست ارکان‌ها که باید به واسطه شرعیت آن [حکومت] باز باشد، بسته می‌شود و اگر بدون شرعیت الهی کارها را انجام دهند، دولت به جمیع شئون طاغوتی و محرم خواهد بود و لهذا تعیین خبرگان و فقیه‌شناسان از تکالیف بزرگ الهی است و هیچ‌کس را عذری در مقابل اسلام و پیش‌گاه خداوند قهار نخواهد بود.

مقام معظم رهبری

* انتخابات خبرگان ... یک ذخیره‌سازی برای ملت و برای آینده نظام است؛ مثل صندوق ذخیره، که یک روز در هنگام نیاز، این انتخاب شما به درد ملت و کشور خواهد خورد؛ باید این ذخیره را نگه داریم، این، پشتوانه‌ای است که باید برای کشور باشد. مجلس خبرگان همیشه باید آماده باشد؛ لذا بسیار مهم است.

* اهمیت انتخابات خبرگان - که شاید هیچ کدام از انتخابات‌های کشور به این درجه از اهمیت و حساسیت نباشد - در این است که با این انتخابات، مردم افراد خبره مورد اعتماد خودشان را انتخاب می‌کنند تا این‌ها آماده به کار باشند برای لحظه حساس فقدان رهبری در کشور. این مجموعه مورد اعتماد ملت باید بنشینند و با بصیرت کامل، رهبری را که قادر بر ادای تکالیف رهبری می‌دانند، انتخاب کنند و به مردم معرفی کنند.

اگر چنین جمعی در آن هنگام - یعنی هنگامی که کشور به تعیین رهبر احتیاج پیدا کرده است، یا به خاطر اینکه رهبر قبلی از دنیا رفته است و یا خدای نخواستہ از صلاحیت‌ها افتاده است، که باید رهبر دیگری را انتخاب کنند - حضور نداشته باشد و آماده به کار نباشد، آن‌چنان گریه در دستگاه مدیریت کشور به وجود خواهد آمد که با هیچ سرانگشتی این گره باز شدنی نیست. خصوصیت انتخابات رهبری این است.

کار مهم خبرگان در درجه اول، همین انتخاب است و در درجه دوم، نظارت بر وضع رهبر موجود و حاضر، که متوجه باشند و ببینند آیا صلاحیت‌ها در او باقی است؟ آیا علم او، تقوای او، مدیریت او، تدبیر او، خلوص او و صدق او باقی است؛ یا از حد نصاب پایین افتاده است؟ باید نظارت داشته باشند. این کار مهم مجلس خبرگان است. هیچ دستگاه دیگری در کشور وجود ندارد که بتواند این کار مهم را انجام بدهد و قانون به آن، چنین اجازه‌ای را داده باشد و چنین تکلیفی را کرده باشد. بنابراین، انتخابات مجلس خبرگان بسیار حساس است.

* انتخابات شوراها هم از این جهت مهم است که کار روزمره مردم و زندگی شهر و روستایی مردم، متوقف به این انتخابات است. اگر انسان‌های صالح، کارآمد، بانشاط، مؤمن، نجیب و امین در انتخابات شوراها انتخاب شوند، خیال مردم از لحاظ مسائل جاری روزمره زندگی - که با آن سر و کار دارند - راحت خواهد شد. شما اگر آن کسی را که می‌پسندید و می‌خواهید، انتخاب نکردید، آن کسی که شما نمی‌پسندید، انتخاب خواهد شد و رأی خواهد آورد. بنابراین، رأی خودتان را به میدان بیاورید.

استاد شهید مرتضی مطهری

مسأله جمهوری مربوط است به شکل حکومت که مستلزم نوعی دموکراسی است یعنی این که مردم حق دارند سرنوشت خود را خودشان در دست بگیرند و این ملازم با این نیست که مردم خود را از گرایش به یک مکتب و یک ایدئولوژی و از التزام و تعهد به یک مکتب معاف بشمارند آیا معنی دموکراسی این است که هر فردی برای خود مکتبی نداشته باشد و به هیچ مکتبی گرایش پیدا نکند و اصول هیچ مکتبی را نپذیرد؟ آیا اعتقاد به یک سلسله اصول علمی یا منطقی یا فلسفی و بی‌چون و چرا دانستن آن اصول برخلاف دموکراسی است و یا آن‌چه که برخلاف دموکراسی است این است که آدمی به اصولی که مورد قبول اکثریت جامعه است اعتقاد نداشته باشد و آن‌ها را قابل چون‌وچرا بداند ولی به دیگری اجازه چون و چرا در اعتقادات و اندیشه‌های خود را ندهد؟

آیت‌الله مصباح یزدی

فقیه عادل، نزدیک‌ترین فرد به امام معصوم

بر اساس نظام عقیدتی اسلام، حاکمیت از آن خداست. از طرفی خدای متعال در اداره امور اجتماعی انسان‌ها دخالت مستقیم نمی‌کند و حاکمیت را به انبیا و امامان معصوم واگذار کرده است. در موقعیتی که معصوم منصوب از سوی خدا، بر کارهای اجتماعی حاکمیت ندارد، چه باید کرد؟ آیا می‌توان گفت در چنین موقعیتی حکومت را رها کنیم؟! چنین سخنی مقبول نیست، زیرا در جای خودش ثابت شده است که اصل حکومت در هر جامعه‌ای ضرورت دارد. در این جاست که ولایت‌فقیه را با استناد به اصل «تنزل تدریجی» ضروری می‌دانیم. فقیه جامع شرایط، بدیل امام معصوم است و در رتبه بعد از او قرار دارد. البته فاصله میان معصوم و فقیه عادل بسیار است ولی نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین افراد به او در امر حکومت ظاهری بر مردم است.

حاصل آن که خدای متعال در مرتبه اول حاکمیت است، پس از او رسول‌الله و سپس امامان معصوم حاکم شرعی‌اند. آیا پس از این، مرتبه چهارمی در حاکمیت وجود دارد؟

باید گفت: در زمان غیبت امام معصوم، طبق دیدگاه شیعیان ولی فقیه مرتبه چهارم از حاکمیت را دارد، زیرا فقیه جامع‌الشرایط به امام معصوم نزدیک‌تر است. چون حاکم اسلامی باید واجد صفاتی مانند آگاهی به قوانین و مقررات اسلامی، آگاهی به مصالح اجتماعی، و صلاحیت اخلاقی که ضامن امانت‌داری و رعایت مصلحت عمومی است، باشد. در معصوم تمامی این شرایط وجود دارد، زیرا معصوم به دلیل عصمتش مرتکب هیچ تخلفی از قانون شرع نمی‌شود و به سبب علم غیبی که دارد به قوانین شرعی و مصالح جامعه کاملاً آگاه است. فقیه جامع شرایط نیز باید همین شرایط را در رتبه نازل داشته باشد، تا حاکمیتش مشروع باشد. یعنی باید دارای ملکه فقاہت و اجتهاد باشد تا احکام اسلام را به‌خصوص در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی بهتر از دیگران بشناسد، و نیز باید دارای ملکه تقوا و عدالت باشد تا مصالح جامعه را فدای مصالح شخصی و گروهی نکند و همچنین باید به مصالح سیاسی و اجتماعی و بین‌المللی آگاه باشد تا شیاطین نتوانند او را فریب دهند و از مسیر عدل و قسط منحرف کنند.

